

موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقفنامه‌ها

* مهناز رحیمی‌فر

** سعیداف عبدالقهار

چکیده

براساس آثار مکتوب باقی‌مانده از دوران صفویه، بی‌گمان وقف یکی از شکوفاترین دوران خود را در این زمان داشته است. شاهان صفویه از پیشقدمان وقف‌های بزرگ، به حساب می‌آیند و به تبع بسیاری از حاکمان مناطق، درباریان و افراد خیرخواه نیز املاک و اموال فراوانی را در سرتاسر مملکت وقف کردند. با توجه به گستردگی و پراکندگی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه وقف در دوره صفویه، در این مقاله سعی شده براساس وقفنامه‌های منتشر شده (اصل وقفنامه یا رونوشت آن و برخی استناد مرتبط به وقف)، و با استفاده از منابع دیجیتال، با تأکید بر برخی از وقفنامه‌های مشهد (آستان قدس رضوی)، به عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مراکز مذهبی مورد توجه واقفان، واردبیل (بقعه شیخ صفی‌الدین) با پیشینه غنی از وقفیات خانقاہی، موقعیت و طبقات اجتماعی واقفان در آن زمان مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

صفویه، طبقات اجتماعی، استناد وقفی، اردبیل، مشهد.

طرح مسئله

تأکید بر ارزش‌پژوهشی استناد کاغذی در طی سال‌های اخیر، و روی آوردن پژوهشگران به این منابع ارزشمند، پراکندگی این آثار را بیش از پیش، نمایان کرده و مانع دستیابی به اطلاعات آماری دقیق از آنها شده است. در

mzrahimifar@hotmail.com

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه ملی دوشنبه - تاجیکستان.

s.abdolgahar@hatmail.com

**. استاد تمام دانشگاه ملی دوشنبه - تاجیکستان.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۹

طی سال‌های اخیر، تلاش پژوهشگران و مسئولان امر، برای یافتن و شناسایی و معرفی و تهیه فهرست، از این استناد در مراکز و آرشیوهای دولتی و غیر دولتی و مجموعه‌های خصوصی راهگشای محققین بوده است. بررسی پیشینه وقف، بهویژه از طریق احادیث و روایات بر جای مانده از رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام نشان می‌دهد، آنان اهتمام زیادی در گسترش وقف داشتند.^۱

به پیروی از این بزرگان، سنت وقف تداوم یافت، و در غالب دوران، شهرهای مهم مذهبی، سیاسی و اقتصادی شاهد ایجاد و گسترش وقف‌های بزرگ و با اهمیت بودند و در زمینه‌های مختلف از اثرات آن بهره‌مند شدند.

شواهد تاریخی، دوره صفویه را یکی از دوران مهم در شکوفایی وقف معرفی می‌کنند. در این زمان، شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول، اموال، رقبات و املاک خالصه بسیاری را وقف کردند. به تبعیت از آنها، بسیاری از حاکمان محلی و سایر درباریان و افراد با نفوذ نیز وقفیات فراوانی را در سرتاسر مملکت وقف کردند. بسیاری از موقوفات، با مقاصد خیرخواهانه، وقف بقاع متبرکه، بهویژه آستانه امام رضا علیه السلام در مشهد و حضرت معصومه علیها السلام در قم شد.

شهر مقدس مشهد، از جمله شهرهایی است که در دوران مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. در مراکز فرهنگی مشهد، بهویژه آرشیوهای دولتی و غیر دولتی، تعداد قابل توجهی از استناد، بهویژه در ارتباط با وقفیات نگهداری می‌شود.

وجود آستانه امام رضا علیه السلام در مشهد، سبب گردیده این شهرهمواره مورد توجه مسلمانان قرار گیرد، و مجلایی برای برآورده شدن نیازهای آنها گردد. اهدا نذرورات و تعیین وقفیات برای این مکان مقدس، از رایج‌ترین سنت‌های مذهبی بوده که تاکنون نیز ادامه دارد.

تاریخ دقیقی از اولین موقوفات یا نام وقف و واقفان آستان قدس وجود ندارد، اما براساس استناد موجود، جریان وقف از قرن چهارم به بعد در آنجا رواج یافته است.^۲

با افزایش زائران حرم مطهر امام رضا علیه السلام، شهر مشهد و آستانه مقدس نیز در دوران مختلف، بهویژه صفویه گسترش یافت.

اسکندریک در خصوص اقدامات شاه عباس می‌نویسد:

آنچه در مشهد مقدس معلى ترتیب یافته، توسيع صحن آستانه مقدس و ايوان‌های رفيع و عمارت‌های دور آن و نقاشی و زیب و زينت حرم محترم و احداث خيابان و اجرای نهری از میان خيابان و حوض عالي در اندرون صحن، که همیشه در آن مالامال و موجب دعای خير زوار و

۱. رحیمی، «وقف در قرآن»، میراث جاویدان، ش، ۴۵، ص ۲۹.

۲. کریمیان، «موقوفات استان قدس رضوی در افغانستان آسیای میانه و قفقاز»، گنجینه استناد، ش، ۵۰ - ۴۹، ص ۶۴.

سکنه آن روضه سدره مثال است و گنبد عالی تربت شریف عارف ربانی، خواجه ربيع الخثیم در بیرون شهر در کمال زیبایی و زینت که در خوبی و شیرینی عمارت عدیم المثل است و عمارت قدمگاه شاهپور کسری و ایوان‌ها و عمارت متعلقه به آن و حوضی که آب از کوه رفیع بفواره می‌ریزد و احداث خیابان و غرس درختان که خصوصیات آن مقام فلک فرسای و ماصدق سر من رأی است ...^۱.

شهر اردبیل، نیز به علت وجود بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در دوران مختلف از قداست خاصی برخوردار بوده است.

پس از آنکه شیخ صفی‌الدین اردبیلی جانشین خلیفه شیخ زاہد گیلانی شد (۷۰۰ ق)، اردبیل مسکن و خانقه او، محل اجتماع مریدانش شد. او به تدریج پایه‌گذار نهضتی مذهبی و حکومتی روحانی در شهر اردبیل گردید. پس از فوت شیخ صفی (۷۳۵ ق)، پرسش شیخ صدرالدین و پس از او پسран و نوه‌هایش، علاوه بر انجام امور مذهبی، در مسائل سیاسی نیز به فعالیت پرداخته و سبب توسعه و ترویج اعتقادات مذهبی، نه تنها در سراسر ایران، بلکه در سوریه، آسیای صغیر و ... گردیدند.^۲

با افزایش مریدان شیخ و زائران آرامگاه او، برای تأمین نیاز آنها، صدرالدین موسی، فرزند شیخ صفی، بناهای بقعه را گسترش داد. در طول تاریخ نیز برخی از پادشاهان نیز نسبت به شیخ صفی ارادت خاص داشته و برای توسعه مزار او، اقدامات قابل توجهی انجام دادند. از جمله تیمور، نسبت به مقدسین و پیشوایان دینی توجه خاصی داشت و برای آنها خیرات و نذورات بسیاری می‌کرد. کتاب سازمان اداری حکومت صفوی درمورد توجه خاص او به مزار شیخ صفی در اردبیل می‌نویسد: «تیمور از پول خود مزارع و دهاتی در حوالی اردبیل خرید و وقف مزار شیخ صفی کرد و مزار شیخ را وی بست و تحصن شناخت، به علاوه خراج ولايت اردبیل را به خاندان صفویه بخشید ...».^۳

شاهان صفوی با انتساب نسب خود به شیخ صفی، سبب گردیدند، این شهر در دوره صفوی از اهمیت بسیاری برخوردار گردد؛ چنان که آنجا مکان آرامگاه برخی از پادشاهان و بزرگزادگان این دوره شد؛ و اسماعیل صفوی، اولین پادشاه حکومت صفویه، پس از درگذشت (۹۳۰ ق) در اردبیل، در کنار مدفن جدش، شیخ صفی‌الدین، به خاک سپرده شد. توجه خاص شاهان صفوی به این مکان مقدس، منجر به گسترش آن گردید. چنان که اسکندریک پیرامون اقدامات شاه عباس در اردبیل می‌نویسد:

در دارالارشاد اردبیل عمارت آستانه متبرکه سید جبرئیل ... که پدر بزرگوار حضرت قطب الاولیا

۱. ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، مقاله یازدهم.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۴۲.

شیخ صفوی الحق و الحقيقة والدين طاب ثراه وجدهم ... و محجر طلای صفه برابر ضرب
مبارک و محجر نقره و دیگر زینت‌های حظیره مبارکه و تجدید عمارت مزار کثیرالاتوار حضرت
عارف ربانی شیخ زاہد گیلانی و ترتیب عمارت عالیه تربت شریف حضرت سلطان الاولیا و
المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری ... و باغ بهشت آسای آن روضه فیض انتما و ...^۱

در این زمان، اردبیل در کنار شهرهای مشهد و قم، مقدس شمرده شد، بهویژه با مقبره‌های خاندان
صفوی به تنها مکان مقدس ملی تبدیل شد.

طبقات اجتماعی در دوره صفویه

رویداد تحولات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی و شیوه حکومتی، در ایجاد ساختار طبقاتی در دوره حاکمان
 مختلف صفوی، نقش اساسی داشته است. سلطنت موروژی، که در این دوره از قداست مذهبی نیز برخوردار
 شده بود، سبب ایجاد قدرت مطلقه برای شاه گردید؛ او را در رأس طبقات اجتماعی قرار داد. بلندمرتبه‌ترین
 مقام‌های درباری، سرداران نظامی و کارکنان حکومتی نیز در رده‌های پائین‌تر از او بودند.
 سرکردگان سپاهیان در آغاز حکومت صفویه، اغلب ترک یا ترکمان بودند و از میان سران طوابیف قزلباش
 انتخاب می‌شدند. اما بعد‌ها و بهویژه پس از اصلاحات تازه‌ای که شاه عباس اول در سازمان نظامی ایجاد کرد،
 اکثر غلامان خاص درگاه، مخصوصاً گرجی‌ها و ارمنی‌هایی که از کودکی مسلمان شده بودند، متصدی
 این گونه مناصب شدند.^۲ علاوه‌بر اشرافیت نظامی، تاجیکان یا اعیان دیوان‌سالار ایرانی از دیگر عناصر اشرافی
 در ساختار اجتماعی این دوره بودند.

محاسبان، مستوفیان، کاتبان، منشیان، خزانه‌داران، مُهرداران و وزیران، اغلب تاجیکان بودند. آنان از قدیم
 این گونه امور را به‌عهده داشتند.^۳

رسمیت یافتن مذهب تشیع در این دوره سبب گردید، سادات، علماء و مشایخ، نسبت به دیگر گروه‌های
 اجتماعی، مهم به‌شمار آیند. بهویژه در زمان شاه طهماسب اول و شاه سلطان حسین، نفوذ علماء به اوج خود
 رسید و بدون صلاح‌دید مجتهدین، کارهای مهم، در زمینه‌های مختلف بهویژه حکومت انجام نمی‌شد.^۴
 روحانیان از لحاظ اقتصادی و امور قضایی از یک طرف با منشیان و کارگزاران حکومت و از طرف دیگر با
 خرده مالکین در اداره اوقاف و یا سایر امور مربوط به مالکین در ارتباط بودند.^۵

۱. ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، مقاله یازدهم.

۲. نوایی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۰۱ – ۳۰۰.

۳ مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۲.

۴. نوایی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۲۹۸.

۵. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۳.

صوفی‌گری، از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد شرایط خاص اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌باشد. مقام خلیفة‌الخلفا در ابتدای پیدایش و گسترش صفویه از مقام‌های مهم بوده است. قبل از ایجاد حکومت و در آستانه سیاسی شدن تشکیلات صفویه، این مقام و به‌طور کلی، خانقاہ تحت امر، به‌عنوان محلی برای نظارت بر تشکیلات گستردۀ صفوی و انجام امور صوفیانه بود و خلیفة‌الخلفا به‌عنوان نایب و استاد شاه محسوب می‌شد.^۱ ولی به‌تدريج از قدرت و اعتبار صوفیان کاسته شد. چنان‌که در اواخر سلطنت شاه سلیمان به مشاغلی چون باربری و مهتری و ... گمارده شدند.^۲

گروه‌های دیگر اجتماعی چون بازرگانان، تجار، پیشه‌وران شهری (اصناف) و کارگران و هنرمندان درباری و کشاورزان و دهقانان و علاوه‌بر آنها اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه تجار ارمنی در زمان شاه عباس، نقش اساسی در زمینه اقتصاد بر عهده داشتند.

زنان از دیگر گروه‌هایی بودند که در طبقات اجتماعية مختلفی جای داشتند. زنان خاندان سلطنتی و درباریان و اشراف، زنان طبقه متوسط شهری، که در برخی فعالیت‌های هنری و اجتماعية مشارکت می‌کردند، و زنان رستایی و عشایری که در زمینه کشاورزی و دامداری و امور خانه‌داری فعالیت می‌کردند. زنان علاوه‌بر وظیفه خانه‌داری به انجام امور و کارهای تولیدی چون قالیبافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی و ... اشتغال داشتند.^۳

گروه دیگری از زنان این دوره را، کنیزکان و زنانی که ازدواج موقت می‌کردند، تشکیل می‌دادند. برخی مشاغل مربوط به زنان و مشاغلی که به‌نحوی به آنان مرتبط می‌شد، اغلب توسط زنان اقلیت‌های مذهبی یا زنان طبقات پایین جامعه انجام می‌شد، مشاغلی همچون پرستاری و مشاطلگی.^۴

نوادگان زنان قبایل قزلباش، قدرت اجتماعية و اقتصادی فراوانی به‌دست آورده بودند، و این امر در القابی که در منابع، برای این زن‌ها به کار رفته است، از قبیل علیاحضرت، خاتون، خانم، سلطان، خان‌آقا، شاه سلطان، پاشا، بانو، سیده، بیگی و بی‌بی تجلی یافته است.^۵

قوانین ارث اسلامی نقش مهمی برای وارثان زن قائل شد. آنها نصف مردان هم‌پایه خودشان ارث می‌برند و در عین حال از نظر قانونی، حق کنترل و در اختیار گرفتن کامل دارایی خود را داشتند. زنان، سهمی از اموال شهری و رستایی از قبیل اراضی رستایی، واحدهای مسکونی، حمام‌های عمومی، کاروان‌سراها و مغازه‌ها را به ارث می‌برند. انتقال اموال از طریق خرید و فروش مستغلات و املاک خصوصی در بین زنان رایج بود. زنان صفوی نقش به‌سزایی در سوق دادن املاک و دارایی به‌سوی فعالیت‌های خیریه از طریق

۱. نوائی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۲۳.

۲. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۹.

۳. فیگورا، سفرنامه، ص ۲۵۱.

۴. احمدی، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مندرج در: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۱، ص ۱۶۳.

۵. زرین‌باف شهر، «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارت‌گاه شهر اردبیل»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۳، ص ۸۲۴.

فروش وقفیات به عهده داشتند.^۱

به طور کلی مورخین و پژوهشگران، برپایه دیدگاه های خاص، نظریات متفاوتی را پیرامون طبقات اجتماعی این دوره ارائه کرده اند. از جمله چنین تقسیم‌بندی ارائه گردیده است: شاه، طبقات حاکمه (شاغلین مقامات و مناصب عالی اداری، سرداران نظامی، امراء ایلات و عشایر، طبقات اشراف روحانیون)، طبقات میانی (خرده مالکان، تجار و بازرگانان)، کارگران (پیشه‌وران و به طور کلی اصناف به ویژه در شهر اصفهان و پیشه‌ورانی که در بیوتات سلطنتی کار می‌کردند) و کشاورزان.^۲

برخی دیگر، با تأکید بر طبقه حاکم، تقسیم کار میان شهر و روستا، نظام صنفی به ویژه بازرگانان، وجود شهرهای مستقل، افزایش و گسترش تجارت و پیشرفت تکنولوژی و نیروهای تولید، را از عوامل مؤثر بر پیدایش سرمایه‌داری به عنوان نظام اجتماعی مورد تأیید قرار داده اند.^۳

و برخی دیگر نیز با قرار دادن شاه در رأس هرم و سایر مردم در قاعده آن، براساس زندگی شهری یا روستایی، این طبقه‌بندی را ارائه کردن: ساختار شهری (بازار و اصناف، سادات - علماء و مشایخ، ارتش) و ساختار روستایی (دهقانان و کشاورزان)، ساختار عشیره‌ای (طوابیف مهم).^۴

فوران با تأکید بر ماهیت دولت برپایه سه نهاد «دستگاه دیوانی مرکزی» و «حکومت ایالت» و «ارتش» با محوریت شاه و دربار، دیگر طبقات اجتماعی را چنین مشخص می‌نمایند. بلند مرتبه‌ترین مقام‌های دربار شامل وزیر اعظم، سرداران سپاه، خزانه‌دار دولت، صدر یا بلندپایه‌ترین پیشوای مذهبی و پس از آنها، مناصب و مقام‌های متعدد چون پزشکان درباری، منجمان، خواجگان درباری، ملازمان، غلام بچه‌گان، هنرمندان و پیشه‌وران ماهر و در تشکیلات دولتی، منشیان، محاسبان مالی دولتی - درباری، کارگاه‌ها، واحد جمع‌آوری مالیات و واحدهای نظامی. و در نهایت طبقه حاکم یعنی شاه، دیوان‌سالاران بلندپایه، فرماندهان نظامی و حکام ایالات، به دلیل کنترل نهادهای مهم دولت - دیوان‌سالاری مرکزی، حکومت‌های ایالتی و ارتش - مجموعاً دولت را تشکیل می‌داده اند.^۵

و ساختار اقتصادی، را متشکل از سه بخش قبایل شبان‌کاره و بیابان‌گرد، دهقانی و روستایی و اصناف شهری (پیشه‌وران، تجار و بازرگانان، هنرمندان و کارگران کارگاه‌های سلطنتی) می‌داند.^۶

و برخی دیگر، برپایه سنت‌های کهن، ریشه ساختار طبقاتی این دوره را در دوران اوستایی دانسته و چهار

۱. همان، ص ۱۳۱.

۲. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۳۱ - ۱۷.

۳. نویدی، تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی، ص ۱۱.

۴. نوایی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۰۵ - ۲۹۵.

۵. فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۵۱ - ۴۸.

۶. همان، ص ۶۷ - ۵۳.

طبقه شاه، اشرافیت نظامی، اشرافیت مذهبی و روستایی را پایه طبقات اجتماعی دوره صفویه دانسته‌اند که در زمان‌های مختلف، با ایجاد تحولات اجتماعی، ترکیب این طبقات دستخوش تغییرات گردیده است.^۱ به طور کلی درمورد ساختار اجتماعی و نهادهای دوره صفویان، براساس پژوهش مورخین و مکتوبات سیاحان، نظرات متعددی بیان شده که گاه با هم اختلاف دارند، از جمله در ساختار دینی مطرح شده از طرف کمپفر و شاردن.^۲

براساس نظریات اعلام شده و با دید کلی، برای این بحث، دو طبقه عمده اجتماعی در نظر گرفته شده است: طبقه حاکم (شامل شاه، وابستگان او از جمله درباریان، خاندان‌های اشراف، سران نظامی، روحانیون متنفذ، دیوانیان بلندپایه) و طبقه عامه مردم (اصناف، پیشه‌وران، بازرگانان، دهقانان و کشاورزان و ...).

وقفنامه‌های آستان قدس رضوی (مشهد)

پس از شهادت امام رضا^ع، وقف برای آستان قدس رضوی آغاز شد. طبق نوشته ابوالفضل بیهقی، مستغلاتی توسط بوالحسن عراقی، دبیر دولت غزنی وقف شده است. بیهقی در این باره چنین می‌نویسد: «در روز دوشنبه ششم شعبان سال ۴۲۹ ق، بوالحسن عراقی دبیر، گذشته شد رحمة الله عليه ... و کاریز مشهد را که خشک شده بود، باز روان کرده و کاروان‌سرایی برآورده و دیهی مستقل، به سبکِ خراج بر کاروان‌سرا و کاریز وقف کرده و ...»^۳ و نیز موقوفه دیگری از صاحب دیوان غزنیان ابوالفضل سوری بن معتز وجود داشته است. او در زمان سلطان مسعود غزنی، عمید خراسان بود (۴۳۲ – ۴۲۱ ق). درمورد این وقفیات در تاریخ بیهقی چنین آمده که: «در سال ۴۲۵ ق در مشهد علی بن موسی الرضا^ع دیهی خرید فاخر، و بر آن وقف کرد.»^۴ اهمیت روزافزون این شهر مذهبی، موجب گسترش وقف، توسط اقشار و طبقات اجتماعی مختلف مردم گردید.

یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه یافتن وقفیات آستان قدس، رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفویه است. صفویان، مشهد را تبدیل به بزرگ‌ترین شهر زیارتی ایران کرده و با تبلیغات مذهبی، موجب تشویق مسلمانان برای سفر به مشهد و زیارت حرم امام رضا^ع شدند. برای توسعه حرم و رفع نیازمندی‌های زائران، تلاش‌هایی به صورت وقف، توسط شاهان صفوی و دولتمردان ایشان و افراد نیکوکار صورت گرفت. در برخی از م-ton تاریخی به این وقفیات اشاره شده و یا آنها را شرح داده‌اند، ولی به دلایل مختلف تعداد محدودی از وقفنامه‌ها و اسناد وقفی مربوط به آنها باقی مانده است. از جمله می‌توان به وقفیات شاه اسماعیل

۱. بنانی، صفویان، ص ۲۰۲.

۲. صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، ص ۴۰۲.

۳. بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۷۱۲.

۴. همان.

در اصفهان^۱ و شاه عباس^۲ اشاره کرد.

گسترده‌گی اوقاف آستان قدس، و اهمیت رسیدگی به امور مربوط به آن، سبب گردید ضمن ایجاد تشکیلات اداری خاص، مستنداتی نیز از استاد تهیه گردد؛ و پس از صفویان نیز تنظیم فهرست‌ها و طومارها و کتابچه و کتاب‌ها ادامه یافت. از جمله طومار یا فرمان علیشاھی، اطلاعات قابل توجهی را درباره اوضاع موقوفات آستانه، به‌ویژه زمین‌های زراعی، مستغلات آسیاب‌ها، باغ‌ها، یخچال‌ها و ... با جزئیات ذکر می‌کند.^۳ کتاب موقوفات آستان قدس تألیفات مرحوم حاج عبدالحمید مولوی (رئیس اداره املاک آستان قدس رضوی)، جامع‌ترین کتابی است که درباره موقوفات آستان قدس رضوی تأثیف شده است. ولی تاکنون به چاپ نرسیده است.^۴

تعداد قطعی استاد مربوط به عهد صفویه موجود در آستان قدس رضوی، برآورده نشده است. اما احتمالاً نزدیک به ۶۰۰۰۰ برگ سند، مربوط به این دوره در آرشیو آستان قدس نگهداری می‌شود.^۵ برخی از وقف‌نامه‌های موجود در آنجا بررسی می‌گردد (جدول شماره یک).

از جمله وقف‌نامه‌های مهم این دوره متعلق به عتیق علی بن احمد بن ملک اسماعیل توosi‌الاصل اردوبادی، مشهور به خواجه عتیق منشی (از اعقاب خواجه نصیر توosi) است. او از منشیان دیوانی و خوشنویسان دوره صفویه است و در زمان شاه اسماعیل (۹۰۶- ۹۳۰ ق) و شاه طهماسب (۹۸۴- ۹۳۰ ق) از دولتمردان بوده است.

قاضی میر احمد منشی قمی درمورد او می‌نویسد: «خواجه عتیق منشی، از خطه اردوبادست بسیار پخته و کنده می‌نوشته و در انشاات نواب ... شاه اسماعیل ترقیات کلی نموده و طغرای شاهی را که اکنون همچنان در میانست، او پیدا کرده، بعد از استغفا از ملازمت متولی مشهد مقدس معلی مزکی شد و سال‌ها در آن عتبه علیه بسر می‌برد. عمارت عالی به جهت مقبره خود ساخته که آن مقبره در جنب مدرسه شاهرخی واقعست و رقبات خود را که در آنجا داشت، بر آن وقف نمود.»^۶

براساس وقف‌نامه‌ای که از او باقی مانده (۹۳۱ ق) وقفیات او شامل ۲۱ رقبه، از جمله چند روستای شش دانگی بزرگ و مزرعه معروف به «کنه بیست» است (هم‌اکنون این مزرعه به یک مرکز بزرگ تولیدی

۱. هنرفر، آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۶۱ - ۳۶۰.

۲. شاملو، قصص الخاقانی، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۸۶.

۳. صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، ص ۳۵۳ - ۳۴۹.

۴. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۱۵ - ۱۲۸؛ حسن‌آبادی، «تاریچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۱ - ۷۰ - ۴۳ - ۳۵.

۵. همان، ص ۳۷.

۶. منشی قمی، گلستان هنر، ص ۴۶.

دامداری تبدیل شده است). استناد این وقایتات در آستان قدس رضوی موجود است.^۱

طبق وقفات، وقایتات او برای مصرف بر «اطعام فقرا و مساکین صادرین و واردين و مرضى غربا و روشنایی روضه مقدسه» حضرت رضا بوده است.^۲ خواجه علاءالدین حاجی، اولین واقفی است که در سال ۹۳۳ ق، مزرعه‌ای را در شهرستان تربت حیدریه، برای تأمین فرش حرم مطهر رضوی وقف آستان حضرت رضا^{علیه السلام} کرد.

از وقفات‌های معروف این دوره وقفات «آب فرات» شاه طهماسب (۹۳۵ ق) است. این وقفات ابتدا در مجموعه خصوصی اسماعیل دولتشاهی نگهداری می‌شده است و هم‌اکنون در مجموعه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.^۳

در این وقفات، شاه طهماسب تمامی نهر مجدد واقع در شهر حله از اعمال عراق عرب را بر «مشهدین مقدسین» در مشهد مقدس به نام مشهد غروی و حائری وقف کرده است.^۴

از دیگر واقفان آستان قدس می‌توان به سید لطیف شاه حسینی مازندرانی اشاره کرد که وقفات او در سال ۹۴۰ ق نوشته شده و سند وقف آن در آستان قدس رضوی موجود است.^۵

همچنین سید علی حسین گنابادی، که طبق وقفات او، در سال ۹۵۷ ق ملکی را در قریه زبید گناباد، وقف آستان قدس رضوی کرده است.^۶

یکی از بانوان واقف در این دوره، بیک آغا خانم است. این بانو، اهل قزوین بوده و قریه سلیمان‌آباد را در منطقه بشاریات قزوین، به آستان قدس رضوی وقف کرده است. عطاردی تاریخ این وقفات را در ۹۹۷ ق و احمدی ۹۷۷ ق ذکر کرده است.^۷

اللهوردی خان از دیگر واقفان معروف آستان قدس است. او از چهره‌های نظامی - سیاسی دوره صفوی است، وی سردار مشهور شاه عباس و حاکم فارس بوده و در سال ۹۹۶ ق دهکده دوله را (در شمال مشهد مقدس) وقف بر «فقای مجاورین ارض اقدس رضوی (مشهد) و زائران ... که صادرین و واردين روضه منوره

۱. حسن‌آبادی، متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه، ص ۷۵؛ عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۸ - ۱۱۵.

۲. کریمیان، «دارالشفای آستان قدس به روایت استاد»، کتاب ماه و جغرافیا، ص ۱۶؛ سوزنچی کاشانی، «مهمانسرای رضوی از روزگار صفوی تا پایان دوره قاجاری»، مندرج در: دفتر استاد، ج ۱، ص ۷۳.

۳. افشار، «وقفنامه آب فرات از عهد شاه طهماسب»، نرهنگ ایران زمین، ش ۱۴، ص ۳۱۸ - ۳۱۳.

۴. نوری، «گزارشی از استناد وقف (مرکز استناد فرایبورگ)»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۲، ص ۴۹.

۵. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۵۸ - ۵۶.

۶. عطاردی، تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۶۳۲.

۷. همو، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۰؛ احمدی، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مجموعه مقالات هماپیش اصفهان و صفویه، ج ۱، ص ۲۷۰.

حضرت می‌باشد»، کرد.

اللهوردی خان در حرم حضرت رضا^{علیه السلام} مقبره‌ای مشهور به «گنبد اللهوردی خان» را برای خویش در سال ۱۰۲۲ ق ساخت، در همان سال درگذشت و در مقبره مذبور دفن شده است. وی موقوفاتی برای مقبره خویش داشته که اکنون از تصرف وقف خارج شده است.^۱

تولیت موقوفات (۹۹۶ ق) که با یکی از علمای عصر صفوی بوده، اکنون به اعقاب همان شخص تعلق دارد و از زمرة موقوفات دایر و فعل شهر مشهد است.^۲

از دیگر وقاییات این زمان، موقوفات شاه عباس در سال ۱۰۱۱ ق در زمین‌های اطراف حرم است. برخی از متون تاریخی به شرح اسناد مربوط به آن پرداخته‌اند.^۳ وقف‌نامه آن در آستان قدس رضوی (در دفتر بازخوانی شده استناد) به ثبت رسیده است.

فرمانی به تاریخ ۱۰۱۹ ق در میان اسناد و مدارک موقوفات اداره موقوفات خراسان وجود دارد که مبنی بر خرید سه ملک، به اسمی «جرمق، چاهشک، ملکان» توسط شاه عباس اول و وقف آن بر مزار خواجه ریبع است. از میان این سه روستا، روستای چاهشک شناخته شده و در شمار رقبه‌های وقفی با سپرستی دفتر موقوفات آستان قدس است.^۴

طبق سند موجود، این سه روستا در سال ۸۲۳ ق توسط پریزاد خانم، وقف بقعه خواجه ریبع گردیده بود. فرمان خرید و وقف این سه روستا توسط شاه عباس در ذی‌الحجہ سال ۱۰۱۹ ق نوشته شده است و در پشت آن، اثر مهر هفت گواه می‌باشد.^۵

رونوشت سندی با تاریخ جمادی‌الاول ۱۰۲۳ ق به شماره ۱۳۴ - ع در مرکز اداره کل اوقاف خراسان موجود است که در آن شاه عباس «آب چشممه گل شب» (گلسب) را وقف آستان قدس کرده است.^۶ در میان اسناد وقفی موجود در آستان قدس رضوی، سندی از وقاییات شاه عباس با تاریخ ۱۰۲۳ ق وجود دارد^۷ و در لیست اسناد موجود در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس (در بند ۱۵)، سندی با عنوان وقف‌نامه نهرشاهی از چشممه گل به‌وسیله شاه عباس برای آستان قدس، با تاریخ ۱۲۰۳ ق، و شماره

۱. سیدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، ص ۹۱؛ عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقت میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۲.

۲. امیرشیبیانیان، «سیمای وقف خراسان»، وقت میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، ص ۲۰.

۳. شاملو، *قصص الخاقانی*، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۸۹.

۴. امیرشیبیانیان، «سیمای وقف خراسان»، وقت میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، ص ۲۶.

۵. سالک، «نگرشی بر نهاد کنامه شاه عباس نخست صفوی و بازشناسی فرمانی از وی»، وقت میراث جاویدان، ش ۵۸ ص ۷۱. همان، ص ۶۹.

۶. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۵۶.

اموالی ۱۲۴۱۲ موجود است.^۱

از دیگر موقوفات معروف در مشهد می‌توان به موقوفات مهدی قلی بیک، امیر آخر اشاره کرد. مهدی قلی بیک، فرزند آقا علی خان جانی قربانی، که از سرداران شاه عباس اول صفوی و امیر آخر وی بوده در سال ۱۰۱۱ ق موقوفاتی را وقف بر طلبه و زوار فقیر شهر مشهد کرده است. سپس حمامی به نام «حمام مهدی قلی بیک» در محل چهار سوق بازار مشهد (مجاور مقبره امیر شاه ملک، مشهور به مسجد شاه) احداث کرد و قناتی برای تأمین آب آن حفر نمود. او موقوفات مهمی، از جمله دکان‌های مجاور حمام و قریه گازرگاه مشهد را در سال ۱۰۲۷ ق وقف بر قنات و حمام مزبور کرد، با این شرط که مازاد آب حمام به مسجد جامع گوهرشاد داده شود و سریز آن، صرف زراعت در خارج شهر مشهد گردد؛ نیز قریه «بس پشته» مشهد را وقف بر نگهداری آب خیابان کرده است.^۲

و هشت عشر درآمد حاصل از موقوفات حمام به «ادویه و اشربه شربت خانه و دارالشفای حضرت»

اختصاص داشته است. (مرکز اسناد آستان قدس، وقف‌نامه ردیف ۱۹۵)^۳

مهدی قلی بیک در سال ۱۰۲۷ ق درگذشت و در حرم رضوی مدفون شد. در حال حاضر اثری از قبر او باقی نمانده است. سندی درمورد تاریخچه و گزارش موقوفه حمام شاه (حمام رضوی) از موقوفه مهدی قلی بیک سردار و میراخور باشی شاه عباس، به تاریخ ۱۰۲۷ - ۱۰۱۱ ق و شماره اموال ۴۱۲۸ نیز در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وجود دارد.^۴ این حمام در سال ۱۳۸۵ به موزه مردم‌شناسی تبدیل شد. فرمانی از شاه سلطان حسین درمورد لزوم عمل به وقف‌نامه مزرعه پس پشته مشهد از موقوفات مهدی قلی بیک، با تاریخ ۱۱۲۳ ق و فرمان دیگری با تاریخ ۱۱۲۵ درمورد اجاره املاک و قنات و حمام وقفی مهدی قلی بیک جغتائی در آستان قدس رضوی وجود دارد.^۵

گنجعلی خان زیگ معروف به «بابا پدر علی مراد خان» از حاکمانی است که دارای وقفیات قابل توجهی در شهرهای مختلف می‌باشد. گنجعلی خان در زمان شاه عباس، حاکم کرمان بود و پس از عزل، به حکومت قندهار منسوب شد. وقف‌نامه وی با تاریخ ۱۰۰۸ ق در آستان قدس وجود دارد.

«موقوفات سادات رضوی» در مشهد از اهمیت بسیاری برخوردار است. سادات رضوی، به عنوان انتساب به

۱. محبوب فریمانی، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاودیدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۳۴.

۲. سیدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، ص ۱۰۲.

۳. فاضل هاشمی، «بیمارستان و دارالشفا در حرم مطهر رضوی در آینه تاریخ»، شمسه، دوره دوم، ش ۸ - ۷، ص ۶.

۴. محبوب فریمانی، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاودیدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۳۳.

۵. معتقدی، گزیده اسناد، فرمان‌ها و رسم‌های آستان قدس رضوی، ص ۲۷ و ۲۹.

امام رضا^ع و برخورداری از قدرت مادی (موقوفات)، با استفاده از ارتباطات خویشاوندی و سیاسی خود با دربار صفویه، مناصبی چون صدارت، تولیت، نظارت آستان قدس، پیش نمازی، امام جماعت و ... را در اختیار خود گرفته و از موقعیت مذهبی، اجتماعی و سیاسی خاصی برخوردار شدند. موقوفات سادات رضوی در مشهد، بسیار گسترده بوده و تاکنون دایر می باشد. اغلب وقف‌نامه‌های مربوط به این موقوفات از بین رفته است، و فقط سواد وقف‌نامه از میرزا ابراهیم رضوی (وفات ۱۰۳۷) برادر اعیان میرزا ابوطالب ثانی (وفات ۱۰۵۵) باقی مانده است که بیشترین املاک را برای سادات رضوی وقف کرده است. این سواد وقف‌نامه از روی سواد دیگری نوشته شده است و محمد ابراهیم رضوی (وفات ۱۳۳۴)، فرزند میرزا محمد مجتهد رضوی و از نوادگان میرزا معصوم رضوی آن را مهر تأیید زده است.^۱ همچنین در وقف‌نامه‌ای که توسط میرزا ابراهیم، نوه میرزا ابوطالب در سال ۱۰۳۸ ق تنظیم شده، به هشت رقبه در اطراف مشهد اشاره شده است و در پایان سند، ۲۳ رقبه وسیع را وقف اولاد سادات رضوی ساکن مشهد نموده است. میرزا ابراهیم در سال ۱۰۴۲ ق (۱۰۴۷ ق) درگذشت و مقبره او در مجاور کوهسنگی قرار دارد. این موقوفه توسط متولی ای از اعقاب خود میرزا ابراهیم اداره می شود.^۲

صفی قلی خان بیگلریگی، فرزند رستم خان، سپهسالار ایران هفده باب دکان و دو باب قهقهه خانه را وقف آستان قدس کرده است.^۳

عباسقلی خان شاملو بیگلریگی خراسان و حاکم هرات در زمان صفویه بود. وی در مشهد مقدس مدرسه‌ای بنا کرد که هنوز مورد استفاده طلاب علوم دینی می باشد. عباسقلی خان ۸۴ رقبه ملک و مستغلات وقف مدرسه کرده که در مشهد مقدس، جام، تابیاد، هرات، فراه و بادغیس بوده‌اند. وقف‌نامه عباسقلی خان ۱۰۷۸ ق می باشد.^۴

یکی دیگر از وقف‌نامه‌های موجود (وقف‌نامه شماره ۵۷ اداره کل اوقاف خراسان) متعلق به یکی از علمای معروف این دوره به نام محقق سبزواری است. محقق سبزواری سرآمد علمای عصر خود بود و با شاه عباس اول (۱۰۳۸ – ۹۹۶ ق)؛ شاه صفی اول (۱۰۵۲ – ۱۰۳۸ ق)؛ شاه عباس دوم (۱۰۷۷ – ۱۰۵۲ ق)؛ شاه سلیمان

۱. حسن‌آبادی، «معرفی طوماری از علامه مجلسی درباره موقوفات سادات رضوی در مشهد»، وقف میراث جاوده‌ان، ش ۵۳، ص ۱۰۰ – ۸۵.

۲. سیدی، «نگاهی به وقف‌های اولاد سادات رضوی مشهد»، وقف میراث جاوده‌ان، ش ۳۵ – ۳۶، سال نهم، ص ۹۸ – ۸۵.

۳. تاریخ این وقف‌نامه توسط عطاردی ۱۰۷۶ ق و احمدی (عطاردی)، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاوده‌ان، ش ۳۵ – ۳۶، سال نهم، ص ۱۱۸؛ احمدی، «زنان واقف در پایخت صفوی»، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۱، ص ۲۷۰.

۴. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاوده‌ان، ش ۳۶ – ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۰.

اول یا شاه صفی دوم (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) هم‌زمان بوده است. او در زمان شاه عباس دوم، امامت جمعه و جماعت و منصب شیخ‌الاسلامی را به عهده داشت. او از اساتید سید نعمت‌الله جزایری بوده است.^۱ ملا محمدباقر خراسانی (محقق سبزواری) طبق وقف‌نامه تاریخ ۱۰۸۳ ق، تعداد ۲۷ دکان را بر مدرسه‌ای در مشهد وقف نموده است.^۲

از مرتضی قلی بک، وقف‌نامه‌ای با تاریخ ۱۰۸۲ ق وجود دارد. او در میان ولایت مشهد، باغو معروف به کلاته مؤذنان را وقف روضه رضویه نموده و مقرر داشته، درآمد آن را خرج مؤذنان آستان قدس کند.^۳ سعدالدین محمد، وزیر خراسان در عهد شاه سلیمان صفوی، از دیگر واقفانی است که وقف‌نامه او موجود است. او در سال ۱۰۸۷ ق مدرسه‌ای در پائین پای حضرت رضا^{علیه السلام} به نام مدرسه پائین پا یا «سعده» احداث کرد و در همان سال، رقبات مهمی را وقف آن کرد. موقوفات این مدرسه که عموماً در تصرف آستان قدس رضوی است، عبارتند از: مزرعه «الله تیمور» واقع در شمال مشهد، که اکنون به شهر پیوسته است، بخشی از مزرعه «نسا یا آصف آباد جزد»، و یک تیمچه در مجاور مدرسه. مدرسه پائین پا در عهد پهلوی اول تخریب و تبدیل به سالن تشریفات و صحن موزه آستان قدس شده است. مدرسه بالا سر هم پس از انقلاب تخریب و تبدیل به رواق دارالولایه گردیده است. مقبره سعدالدین که در مجاور مدرسه پائین پا قرار داشته تا اوایل قرن حاضر پا بر جا بوده و از آن پس، به سبب تخریب مدرسه تستطیح و محو شده است.^۴ او همچنین شش دانگ از رقبات، شامل تعدادی باغ و منزل و محوطه را در گود سلوک (بر سر راه سرخس و طرق) وقف آستان قدس کرد و مقرر نمود عایدات آن، صرف اجرت ساعت‌ساز حرم حضرت رضا^{علیه السلام} شود.^۵ وقف‌نامه آن با تاریخ ۱۰۸۷ ق در آستان قدس رضوی موجود است.^۶ همچنین وی در وقف‌نامه دیگری در سال ۱۰۹۳ ق، موقوفات دیگری را وقف بر روشنایی حرم حضرت رضا^{علیه السلام} کرده است. میرزا شاه تقی‌الدین محمد رضوی از دیگر واقفان است. او در سال ۱۰۸۸ ق سه باب دکان واقع در پائین پای مبارک و یک تیمچه و دو باب دکان در محله عیدگاه، در جنب تیمچه چیت‌گران، وقف آستان قدس کرده بود.^۷

۱. همایونفرخ، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، هنر و مردم، دوره ۷ - ۴، ش ۶۶، ص ۳۳.

۲. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۰۴ - ۴۱.

۳. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاودا، ش ۳۵ - ۳۶، سال نهم، ص ۱۲۴.

۴. سیدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، ص ۱۲۰.

۵. عطاردی، تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۶. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۰۴، ص ۵۹.

۷. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاودا، ش ۳۵ - ۳۶، سال نهم، ص ۱۲۴.

وقفنامه‌ای با تاریخ ۱۰۹۶ ق از آقا کافور (خزانه‌دار) وجود دارد. آقا کافور یکی از خواجگان حرم‌سرای شاه عباس دوم بوده است. شاردن او را نگهبان جواهرات و خزان پادشاه معرفی کرده است. ولی در تنها کتیبه‌ای که از او، در مدرسه آقا کافور در اصفهان، برجا مانده معلوم می‌کند که او صاحب جمع خزانی عامره بوده است.^۱ همچنین وقفنامه‌ای با تاریخ ۱۰۹۷ ق از شاهوردی خان وجود دارد. در دوران پادشاهی شاه سلیمان (۱۰۷۳ – ۱۰۴۵ ق)، بنای توحید خانه (در پشت عمارت عالی‌قاپو در اصفهان) محل گرد آمدن امیران برای انتخاب بعضی از کارگزاران رده بالا بوده است. از جمله شاهوردی خان، که به وزارت کرمان برگزیده شد.^۲

محمد حسین کرمانی (محمد صالح معروف به مکرمت خان ابن خواجه حسین کرمانی)، در سال ۱۰۹۶ ق سه ربیع از کنوگیر، و شش دانگ سمرقند و کلاته بوغا و نصف عوضی و شش دهم زیرکن را وقف روضه مبارکه کرده است.^۳ محمد صالح قزوینی (حاج محمد صالح) نیز در سال ۱۱۰۵ ق یک دربند دکان شمع‌ریزی، واقع در حاشیه میدان مشهد مقدس، وقف روضه رضویه نموده است.^۴

شاه سلطان حسین در یکی از سفرهای خود به مشهد مقدس رضوی، چند قطعه ملک را خریداری کرد و وقف آستان مقدسه نمود. آن املاک عبارتند از: عشرت آباد، علی آباد و ابراهیم آباد. این وقفنامه به خط میرزا احمد نیریزی، خطاط معروف نوشته شده است و در کتابچه‌ای نفیس، شامل دو وقفنامه در ۴۴ ورق، به تاریخ ۱۱۱۹ ق به خط ثلث با شماره عمومی ۵۸۳۲ در ردیف مرقدات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ثبت شده است. ابتدای هر دو وقفنامه ناقص می‌باشد و در وقفنامه اول، ۲ مزرعه و قنات با ذکر عواید و اخراجات معین و موارد مصرف مشخص وقف شده که در انتهای با متن تسجیل علما و صاحب‌منصبان دربار شاه سلطان حسین صفوی خاتمه یافته، و در وقفنامه دوم نیز چندین مزرعه و قنات و دو حجره طاحونه (آسیاب) با شرح عواید و اخراجات مذبور آن و موارد مصرف، با تاریخ تحریر و کتابت یکسان مندرج است.^۵

محمد بیکا یکی از ناظران بیوتات آستان قدس بود. او در سال ۱۱۲۰ ق شش دانگ از روستای محراب خان را وقف آستان قدس نمود، و مقرر داشت درآمد آن را صرف تعلیم و تعلم ایتم سادات نمایند و شرط کرده همه‌ساله دو دست لباس و دو زیرجامه و دو کلاه و یک شال کمر به آنان داده شود^۶ از جعفر قلی میرشکارباشی

۱. صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، ص ۳۷۸ – ۳۷۷.

۲. همان، ص ۵۵۲.

۳. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاودا، ش ۳۶ – ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

۴. همان، ص ۱۲۵.

۵. قصابیان، «دو وقفنامه دیگر از شاه سلطان حسین صفوی»، وقف میراث جاودا، ش ۵۵، ص ۲۲.

۶. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاودا، ش ۳۶ – ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

وقفات‌نامه‌ای با تاریخ ۱۱۲۵ ق وجود دارد. او در مشهد مقدس آسیابی ساخت. این آسیاب با آب نهر بالا خیابان که از چشمه کلاس، به طرف مشهد جریان داشت کار می‌کرد، و تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی دایر بود.^۱ ابوالحسن صاحب نسق نیز از کارگزاران آستان قدس رضوی بوده است. وی در سال ۱۱۲۹ ق نصف قریه شیرین در زاب را وقف ایتم سادات نمود. همچنین محمد مؤمن وزیر (میرزا محمد مؤمن)، در سال ۱۱۳۶ ق شش دانگ موقعه جمع آباد را وقف مقبره شاه طهماسب صفوی که در روای شمالی حرم مطهر دفن است نمود.^۲

وقفات‌نامه‌های بقعه شیخ صفی‌الدین (اردبیل)

پیروان و مریدان شیخ صفی‌الدین، از طرق مختلف، ارادت خود را به شیخ صفی ابراز می‌کردند. یکی از این راه‌ها که سبب توسعه بقعه نیز گردید، وقف اموال و املاک بسیار بود. درنتیجه تمیلیک و وقف تعداد بی‌شمار املاک، برای آستانه شیخ صفی، تعداد بسیاری از استناد، قباله‌جات و وقفات‌نامه و سوابق املاک و صورت حساب‌های خرید املاک و ... در کتابخانه آستانه گرد آمده بود.^۳

در زمان برخی از شاهان صفویه، به‌ویژه شاه طهماسب و شاه عباس، برای ایجاد نظم و ترتیب در املاک و جلوگیری از پراکندگی و همچنین رسیدگی به درآمد و عواید آنها، توجه خاصی به تنظیم و تدوین این اسناد گردید.^۴ طبق سند ش ۲۶۳ موجود در بقعه شیخ صفی، شاه طهماسب انجام این کار مهم را به عبدی بیگ واکذار کرد.^۵ مجموعه نسخ خطی، تحت عنوان «صریح الملک» یا «سجاد وقف‌نامه شیخ صفی» (شامل پنج نسخه که در موزه ملی ایران و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود)،^۶ و «کتاب املاک وقف سلاطین صفویه» و کتابچه موقوفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی «رونوشت استناد خرید و وقف تعداد قابل توجهی اموال غیر منقول از جمله ده، قریه، زمین‌های کشاورزی، باغ، دکان، خانه، کاروان‌سرا، حمام و ... در تبریز و اردبیل و دیگر شهرها توسط افراد مختلف، برای بقعه می‌باشد».^۷

پس از تصرف اردبیل توسط عثمانی‌ها (۱۱۳۷ ق)، دفتر موقوفات توسط آنها به تحریر درآمد که شامل دفتر شماره ۸۹۶ (تمام شروط و شرایط موقوفه) و تحریر مفصل ۹۰۲ (در ارتباط با موقوفه) است که در میان دفاتر تحریر مالیاتی آرشیو عثمانی نخست‌وزیری در استانبول قرار دارد.^۸ مجموعه باقی‌مانده از این استناد در

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. اختری، «گنجینه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، کانون، دوره جدید، ش ۱۴، سال ۴۳، ص ۱۳۱؛ شیخ‌الحكما، فهرست استناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۲۰ - ۲۶.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان، ج ۲، ص ۲۰ - ۲۰۹.

۶. آل داود، «فهرست موقوفات بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، دوازه نوبیافته، گزارش میراث، دوره دوم، ش ۴۶، س ۵، ص ۷۲.

۷. سنانی بیلگیلی، «موقوفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی براساس دفاتر تحریر دولت عثمانی»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۰۴، ص ۷۳.

ایران، شامل حدوداً هشت صد فقره سند کامل و پاره سند است، که توسط گوتفرید هرمان^۱ کشف شد و کهن ترین مجموعه اسناد فارسی و عربی، شناخته شده دوره اسلامی ایران است.^۲ قسمت اصلی مجموعه بازمانده (حدود شصصد سند) اکنون در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. همچنین بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه (بیش از ۱۰۰ سند)، و بقعه شیخ صفی (۴۰ سند)، و موزه آذربایجان (تبریز) از دیگر مراکز مهم نگهداری این اسناد می‌باشند.^۳

در کتاب چینی‌ها و اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی تعداد ۹۰ سند موجود در بقعه شیخ صفی، شامل مبایعه‌نامه و کالت‌نامه، عرضه و ... در جدولی فهرست شده است که در میان آنها وقف‌نامه‌ای از دوره صفوی وجود ندارد.^۴ همچنین تعداد دیگری از اسناد بقعه، در سازمان اسناد ملی، و برخی مجموعه‌های خصوصی پراکنده شده است.

در بین مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی در موزه ملی، وقف‌نامه‌هایی وجود دارد که تاریخ آنها قبل از دوره صفوی است. از جمله وقف‌نامه‌های با تاریخ ۵۴۴ ق، ۵۶۴۹ ق، ۷۱۷ ق، ۷۴۳ ق، ۷۶۶ ق، ۸۱۱ ق و تعداد محدودی از آنها را نیز وقف‌نامه‌های دوره صفویه تشکیل می‌دهد (جدول شماره دو). که عبارتند از: وقف باغ انگور معروف به مادلی، در محل مشمشه نار یافت آذربایجان، توسط نارین خاتون بنت حسین [بن] ... امیر احمد دریغی در تاریخ ذی القعده ۹۱۴ (شماره سند ۲۵۷۰۷)، وقف باغی در قریه طسوج ارونق تبریز توسط میرزا علی بن استاد محمود بن پیره احمد شاه طسوجی در تاریخ رمضان ۹۴۲ (شماره سند ۲۵۷۱۴)، مبایع نامه وقف‌نامه با مضمون خرید نهر مشهور به شاهزاده بیگم از املاک پری خان خانم مشهور به شاهزاده بیگم واقع در خسروآباد سالیان. این اسناد توسط غازی خان در تاریخ محرم ۹۵۰ ق خریداری و در رمضان همان سال بر زاویه شیخ صفی وقف کرده است (شماره سند ۲۵۷۲۴)، وقف باغ نورقلی در قریه قوهه ساوج بلاغ توسط شاه وردی بیک کنگرلوین آیدی خلیفه - برای مزار شاه اسماعیل صفوی - در تاریخ ذی القعده ۹۵۰ (شماره سند ۲۵۷۳۳)، وقف باغی در سفید دشت علیا توسط حمزه بیک بن یار احمد آقا در تاریخ رمضان ۹۶۰ (شماره سند ۲۵۷۳۴)، وقف قطعه زمینی در اردبیل خارج از درب نیار در محله یعقوبیه توسط نظام‌الدین سید نعمت‌الله صفوی با تاریخ شوال ۹۶۵ (شماره سند ۲۵۷۳۵)، وقف چند خانه جنب آب انبار و حوايج خانه آستان شیخ صفی، توسط علی قلی سلطان موسیلو در تاریخ ذی الحجه ۹۹۸ (شماره سند ۲۵۷۳۷)، وقف مزرعه امیره هیری امستان مازانکوه آذربایجان، محدود به قراء نقله شین و قریه رکان و هفت چشم، توسط امیره محمد

1. G. Herrmann.

۲. رضایی، «تجدید وقف‌نامه»، وقف میراث جاویدان، ش، ۱، ص ۴۵؛ شیخ‌الحكما، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین

اردبیلی، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۱۷۵.

۴. نعمتی، چینی‌ها و اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، ص ۶۷ - ۶۲.

شاه بن امام قلی امستانی در تاریخ ۱۰۲۱ ق (شماره سند ۲۵۷۴۳)، وقف مزرعه آسمان دشت خلخال توسط نعمت‌الله بن خلیل‌الله خلخالی در تاریخ رجب ۱۰۳۶ ق (شماره سند ۲۵۷۵۲).^۱

در بین اسناد فهرست شده در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف نیز وقفا نامه ای متعلق به قبل از دوره صفویه با تاریخ ۷۴۰ ق وجود دارد. وقفا نامه های دوره صفویه عبارتند از وقف سهامی از قریب میرعلی توسط واقفان، بهلول بن قوام‌الدین بن محمد و قوج احمد بن حاجی محمد و شاه ولی بن علی بن نظام، به آستانه شیخ صفی در تاریخ ربیع الاول ۹۱۲ (شماره پرونده ۱۲۲)، وقف سهامی از قریب خیاو توسط امیر زین‌الدین علی حسینی استرآبادی به وکالت امیر کوکجه سلطان قجاربا تاریخ ۹۵۵ (شماره پرونده ۱۲۳)، وقف قریب کمشکان توسط امیر زین‌الدین علی حسینی استرآبادی به وکالت امیر کوکجه سلطان قajar با تاریخ ۹۵۵ (شماره پرونده ۳۰)، وقف قطعه زمینی در درب نیار، از جمله باغ جمال‌الدین باغبان، توسط نظام‌الدین سید یعقوب بن سید نعمت‌الله صفوی در تاریخ شوال ۹۶۵ (شماره پرونده ۱۷۳)، وقف مزرعه کرکه شا توسط وقف ملک میرزا بیگ بن سیفلی بیگ چوپانی مغانی در تاریخ محرم ۹۶۶ (شماره پرونده ۵۰)، وقف قریب کرم کاورس و دو مزرعه شیرین بлаг و کوربلاغ توسط سید حیدر بن سید نعمت‌الله صفوی در تاریخ محرم ۹۷۶ (شماره پرونده ۸)، وقف قریب حانیم کندی توسط هدایت بیگ بن ... آقا و عسگر بیگ بن علی بیگ اوستاجلو بر آستانه شیخ صفی در تاریخ ۱۰۲۲ (شماره پرونده ۷۳) و وقف سهامی از مزرعه پالو طلو توسط خلیفه صفی قلی بن خلیفه شاه قلی در تاریخ ۱۰۵۷ (شماره پرونده ۱۱۹) و وقفا نامه (رونوشت) وقف شش دانگ قریب خاکوانق در نار تومان مشکین توسط بیرم بگ بن علی قلی بگ به آستانه شیخ صفی در تاریخ ۱۱۰۲ (شماره پرونده ۱۷۱).

در بین اسناد، چند اقراریه به وقف نیز وجود دارد که عبارتند از: اقرارنامه (اقرار به مبایعه و وقف) شامل اقرار به خرید سهامی از قریب الارق با تاریخ ۹۴۵ و اقرار خریدار به وقف این املاک بر زاویه شیخ صفی به تاریخ ۹۴۶ (شماره پرونده ۲۷)، اقرارنامه با تاریخ ۹۴۷ اقرار به وقف قریب پیره سراو مازو از توابع آستانه از ناحیه مزکیل برای بقעה شیخ صفی (شماره پرونده ۱۱۴) و اقرارنامه با تاریخ ۱۰۰۸ اقرار به وقف بودن سهامی از مزرعه علی‌آباد بر آستانه شیخ صفی (شماره پرونده ۱۲۶).^۲

همچنین وقفا نامه زمینی در اردبیل، به تاریخ ۱۵ شعبان ۹۵۱ ق، که امیر جلال‌الدین معصوم بیک صفوی، متولی آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مالکان آن خریده و داخل موقوفات زاویه آستان شیخ صفی کرده، در آرشیو نسخ خطی ایروان وجود دارد.^۳

۱. شیخ‌الحکمایی، فهرست اسناد بقעה شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۱۳۵ - ۳.

۲. همان، ص ۸ - ۱۸۶.

۳. نوری و نصر، «گزارشی از اسناد وقف (مرکز اسناد فرایبورگ)»، میراث جاویدان، ش ۷۲، ص ۴۵.

موقعیت اجتماعی و اقفال

برخی از اقفال صاحب منصب، از شهرت اجتماعی، سیاسی، اداری، مذهبی و نظامی برخوردار بودند، و نام آنها در زمرة افراد نامدار تاریخ بوده است. مانند خواجه عتیق منشی، محقق سبزواری، اللهوردی خان، گنجعلی خان و

ولی آگاهی از شرایط و موقعیت اجتماعی اقشار مختلف مردم، از جمله افراد و خانواده‌های بانفوذ و صاحبانام و یا مالکان بزرگ محلی، که در وقف سهم بسزایی داشته‌اند، بسیار دشوار و یا غیر ممکن می‌باشد. سوابق خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی غالب آنها مکتوب نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است و در طول تاریخ با انحصار تغییرات اجتماعی، اسمای بسیاری از آنها از حافظه محلی پاک شده و در خاطره کمتر کسی محفوظ مانده است.

اغلب اسمای واقفان، با القاب و انساب و گاه پیش‌نامه‌ای همراه است. گاه انتساب آنها را به شهر، خانواده و حرفه‌ای را مشخص می‌کند.

توجه به مفاهیم و کاربرد این واژه‌ها – که از پیشینه تاریخی برخوردار می‌باشند – می‌تواند تا حدودی در شناسایی موقعیت اجتماعی این افراد مؤثر باشد. برخی از این واژه‌ها عبارتند از: بیگ، که در زبان ترکی پیشینه‌ای کهن دارد، به معنای رئیس طایفه یا قبایل کوچک، کارگزار نظامی و اداری خاقان و لقب دولتمردان و اشراف‌زادگان بوده است. در زمان صفوی، سلاطین عنوان شاه را برای خود برگزیدند و به بزرگان حکومت، لقب سلطان و خان دادند. درنتیجه بیگ (بگ) اهمیت پیشین خود را در ایران از دست داد و عنوان تشریفاتی افراد قرلباش شد و این عنوان از پدر به پسر انتقال می‌یافت.

بیگم: (شاهزاده خانم)، زنی منسوب به خانواده اصیل بوده است. به ملکه، خاتون و امیرزاده نیز گفته می‌شده، در دوره صفویه لقب مخصوص زنان درباری بوده است.^۱

بیگلر (بیگ و لر) به معنی امرا و بزرگان شهر. و بیگلر بیگی: این عنوان در ایران کاربرد چندانی نداشت، بلکه ترکمانان آناتولی که بیشتر هواخواهان و لشکریان و امیران دولت صفوی را تشکیل می‌دادند، آن را به همراه آورده و ظاهراً از دوره فرمانروایی شاه طهماسب (۹۵۰ ق) در ایران کاربرد یافت و به عنوان حاکم، امیرالاما و فرمانده نظامی بود. در زمان صفویه، اداره کشور بر عهده ۴ والی و ۱۳ بیگلریگی و نیز خوانین و سلاطین فرودست این گروه بوده است. این عنوان موروثی نبوده، ولی گاه فرزندان بیگلریگیان به وسیله پادشاه به جای آنان گمارده می‌شند.^۲

پیره (پیر): در لغتنامه دهخدا پیره و پیر را چنین تعریف کرده است: «قائم مقام و خلیفه و مرشد. خلیفه و

۱. موسوی بجنوردی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج، ۳، ص ۴۲۲.

۲. همان، ج، ۹، ص ۴۴۸.

جانشین مشایخ و ارباب طریقت و خانقاہنشین باشد. (برهان). خلیفه، مشایخ و ارباب طریقت را گویند.^۱ آغا (کلمه ترکی به معنی خاتون، بیگم، خانم)، خواجه (آقا، دخدا، بزرگ)، میرزا (مخفف میرزاده یا امیرزاده، از القاب شهزادگان)، خان (رئیس، امیر، خواجه)، خانم (زن خان)، خادم (خواجه‌سرایانی که در حرم‌سرا و ابواب سلاطین و امرا خدمت می‌کنند)، صاحب نسق (لقبی مانند دخدا، داروغه و امثال آن بوده است).

همچنین به کار رفتن برخی از اسمای مانند «نعمت‌الله» نیز احتمالاً متأثر از دیدگاه اعتقادی افراد و واستگی آنها به طریقت خاص نعمت‌اللهی بوده است. شاه نعمت‌الله از اقطاب و عرفای سده هشتم و نهم هجری است و در طریقه تصوف، مؤسس سلسله مشهور نعمت‌اللهی است. با پیوند خانوادگی اولاد نعمت‌الله با خاندان سلطنت صفوی، آنها در جامعه صوفی‌گری آن زمان از جایگاه خاصی برخوردار شدند.

نتیجه

بررسی استناد وقفی موجود از دوره صفویه، گسترش قابل توجه وقف، بهویژه در دوره میانی حکومت صفویان را نمایان می‌سازد. تثبیت حکومت مرکزی، رسمیت یافتن مذهب تشیع و امنیت اجتماعی - اقتصادی حاکم در این زمان، از عوامل مؤثر در ایجاد بستری مناسب برای گسترش وقف بوده است.

عدم وجود منابع و اطلاعات دقیق درمورد طبقات اجتماعی دوره صفویه، و پراکندگی استناد وقفی و وقفنامه‌ها، در این دوره و عدم دسترسی به بسیاری از آنها موجب گردیده بررسی برای آگاهی یافتن از طبقه اجتماعی و اقفالن محدود به مستندات تاریخی گردد. براساس وقفنامه‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفت، نمایان می‌کند که توجه خاص شاهان صفوی به تثبیت مذهب شیعه و اثرات این اقدام در امور سیاسی و حکومتی موجب گردید که در میان واقفالن آستان قدس، طبقه حاکم (شاهان، درباریان، صاحب منصبان اداری و نظامی و بهطورکلی وابستگان حکومتی) نقش اساسی داشته باشند. آنان با اینکا به اعتقادات مذهبی خود، با ایجاد وقفیات بزرگ برای یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های مذهبی (آستان قدس) که همواره مورد توجه مسلمانان بوده، در جلب حمایت مردم و درنتیجه تحکیم قدرت سیاسی خود گام مؤثری برداشتند.

تغییرات در تشکیلات اداری و نحوه مدیریت آستان قدس در این دوره، به تدریج منجر به شکل‌گیری قشر خاصی در میان طبقات اجتماعی خراسان گردید. بررسی وقفنامه‌های موجود، نشانگر آن است که پس از طبقه حاکم، این گروه نقش قابل توجهی در موقوفات آستان قدس داشته اند که شامل صاحب منصبان آستان قدس، از جمله متولیان، کارگزاران، ناظران بیوتات و ... بوده است.

وقف اموال غیر منقول برای آستان قدس، از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. اشرف و مالکان بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سهم بهسزایی در این گونه وقفیات داشته‌اند.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۴، ص ۶۸۴.

با توجه به موقعیت اجتماعی واقفان، انگیزه‌های متفاوتی برای انجام عمل وقف وجود داشته است؛ از جمله کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و یافتن اعتبار دینی، مصون نگه داشتن اموال از مصادره از طریق متولی قرار دادن خود و اقام نزدیک خود و ...، واقفان با استفاده از منابع اقتصادی سرشاری که از عایدات موقوفات در اختیار داشتند، در ایجاد ارزش‌های جدید اجتماعی، و گسترش فرهنگ وقف در این دوره نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودند.

اشاعه دیدگاه‌های مذهبی و صوفی‌گری شیخ صفوی، در نقاط مختلف و جلب بسیاری از مردم در اقشار مختلف جامعه، سبب گسترش هرچه بیشتر موقوفات بقعه شیخ صفوی گردید. بررسی وقفات‌ها و اسناد مربوط به موقوفات، در آستانه شیخ صفوی نشانگر آن است که در این دوره در میان واقفان، کمتر نام پادشاهان صفوی یا دولتمردان مشهور به‌چشم می‌خورد. با توجه به اسامی واقفان به‌نظر می‌رسد اغلب آنها، پیروان و مریدانی از طبقات اجتماعی مختلف از حاکمان و افراد قدرتمند سیاسی - اجتماعی محلی و منطقه‌ای گرفته تا سایر اقشار مردم چون پیشه‌وران، تجار و زنان و ... بودند. این افراد هرچند از شهرت محلی و منطقه‌ای برخوردار بودند، ولی به‌نظر می‌توان در میان منابع تاریخی، نشانی از آنها یافت.

علی‌رغم اینکه پادشاهان صفوی نیای خود را شیخ صفوی می‌دانستند، به‌نظر می‌رسد نقش کمتری در ایجاد وقفیاتی برای آستانه شیخ صفوی داشتند. هرچند که در صریح‌الملک، عبدالی بیک بخشی از کتاب را به وقفیات شاه اسماعیل اختصاص داده است. ولی از وقفیات شاهان دیگر به‌ویژه در زمینه اموال غیر منقول اخبار کمتری وجود دارد و بیشتر وقفیات بزرگ آنها متوجه اصفهان، مشهد بوده است. وقفیات بزرگ همواره با برخی ملاحظات سیاسی و حکومتی توازن بوده است. با توجه به دیدگاه‌های مذهبی شیخ صفوی، که پیروان بسیاری را به‌دبیال داشت. به‌نظر می‌رسد وقفیات شاهان صفوی به‌بعقده، متأثر از ملاحظات سیاسی و حکومتی بوده است. با وجود دیدگاه‌های خاصی که درمورد صوفی‌گری و به‌تبع آن وقفیات خانقاہی در این زمان وجود داشت، ولی برخورد مقابله‌گرایانه‌ای در قبال آستانه شیخ صفوی صورت نگرفته و برخی از پادشاهان در توسعه آستانه نیز اقدامات ماندگاری را انجام دادند و توجه خاص به آستانه شیخ صفوی داشته‌اند.

درنتیجه وقف طبقه حاکم (به‌طور کلی) و شاهان به‌طور خاص، به‌یکی از بزرگ‌ترین مراجع مذهبی مسلمانان (آستان قدس رضوی) و حمایت آنها از امور وقف به‌یکی از مهم‌ترین مراکز خانقاہی (آستانه شیخ صفوی)، ضمن مشارکت و همراهی با این مراکز، هدایت امور مذهبی و صوفی‌گری و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن توسط این طبقه، را در قالب یکی از سنت‌های مهم اسلامی یعنی وقف به‌دبیال داشته است.

منابع و مأخذ

- احمدی، نزهت، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش، ۴، اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۳۸۴، ص ۶۲ - ۴۱.

۲. ———، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، به اهتمام مرتضی دهقان تزاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۴ - ۲۶۰.
۳. اختری، محمدعلی، «گنجینه شیخ صفی الدین اردبیلی»، کانون، دوره جدید، ش ۱۴، سال ۴۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ص ۱۲۵ - ۱۳۶.
۴. افشار، ایرج، «وقف نامه آب فرات از عهد شاه طهماسب»، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۴، ۱۳۴۵ - ۶، ص ۳۱۸ - ۳۱۳.
۵. آلداوود، سید علی، «فهرست موقوفات بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی»، دو اثر نویافته، گزارش میراث، دوره دوم، ش ۴۶، س ۵، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، ص ۷۵ - ۷۲.
۶. امیرشیانیان، عبدالرضا، «سیما وقف خراسان»، وقف میراث جاودا، ش ۳۶ - ۳۵، پائیز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۳۸ - ۲۵.
۷. بنانی، امین و ...، صفویان، ترجمه و تدوین یعقوب آذند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۰.
۸. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، با مقدمه جلال متینی، مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۶.
۹. ترکمان، اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی، با اهتمام ایرج افشار، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۱۰. حسن آبادی، ابوالفضل، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۱ - ۷۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۴۳ - ۳۵.
۱۱. ———، «معرفی طوماری از علامه مجلسی درباره موقوفات سادات رضوی در مشهد»، وقف میراث جاودا، ش ۵۳، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۰۰ - ۸۵.
۱۲. ———، «متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه»، به کوشش زهرا طلایی، دفتر اسناد، مدیریت امور اسناد و مطبوعات، ج ۲ و ۳، مشهد، سازمان کتابخانه ها و موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳ - ۷۳.
۱۳. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه های خطی موزه ایران باستان، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
۱۵. رحیمی، مرتضی، «وقف در قرآن»، میراث جاودا، ش ۴۵، سال دوازدهم، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۵ - ۲۹.
۱۶. رضایی، امید، «تجدید وقف نامه»، میراث جاودا، ش ۱، سال دهم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۱.
۱۷. زرین باف شهر، فریب، «فعالیت های اقتصادی زنان صفوی در زیارت گاه شهر اردبیل»، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ پژوهان، ش ۳، پائیز ۱۳۸۴.

۱۸. سالک، محمد تقی، «نگرشی بر نهاد کنامه شاه عباس نخست صفوی و بازشناسی فرمانی از وی»، وقف میراث جاویدان، ش، ۵۸، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۱ - ۶۹.
۱۹. سنانی بیلگیلی، علی، «موقوفات شیخ صفی الدین اردبیلی براساس دفاتر تحریر دولت عثمانی»، ترجمه علیرضا مقدم، میراث جاویدان، ش، ۷۳، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷ - ۱۰۱.
۲۰. سوزنچی کاشانی، علی، «مهما نسرا رضوی از روزگار صفوی تا پایان دوره قاجاری»، دفتر استاد، مشهد، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز استاد قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۲۱. سیدی، مهدی، «نگاهی به وقف های اولاد سادات رضوی مشهد»، وقف میراث جاویدان، ش، ۳۶ - ۳۵، سال ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۸ - ۸۵.
۲۲. سیدی، مهدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، با همکاری اشرف السادات میر کمالی، مشهد، شهرداری مشهد، معاونت فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۲.
۲۳. شاملو، قلی، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۴. شیخ الحکمایی، عماد الدین، «فهرست اسناد بقیه شیخ صفی الدین اردبیلی در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه»، وقف میراث جاویدان، ش، ۳۴ - ۳۳، س، ۹، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۹۲ - ۱۷۵.
۲۵. ———، «فهرست اسناد بقیه شیخ صفی الدین اردبیلی (موجود در موزه ملی، سازمان اوقاف، کتابخانه ملی تبریز، بقیه شیخ صفی و ...)»، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز استاد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۶. صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۲۷. عطاردی، عزیز الله، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش، ۳۶ - ۳۵، س، ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۲۸ - ۱۱۵.
۲۸. ———، *تاریخ آستان قدس رضوی*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۹. فاضل هاشمی، سید محمد رضا، «بیمارستان و دارالشفاء در حرم مطهر رضوی در آینه تاریخ»، شمسه، دوره دوم، ش، ۸ - ۷، تابستان و پائیز ۱۳۸۹، ص ۲۳ - ۱.
۳۰. فوران، جان، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۳۱. فیگوئرا، دن گارسی، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

۳۲. قصایان، محمد رضا، «دو وقف نامه دیگر از شاه سلطان حسین صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۵، ص ۴۰ - ۱۹.
۳۳. کریمیان، علی، «دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد»، کتاب ماه و جغرافیا، مهر ۱۳۸۷، ص ۹۹ - ۸۶.
۳۴. ———، «موقعات استان قدس رضوی در افغانستان آسیای میانه و قفقاز»، گنجینه اسناد، ش ۵۰ - ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۸۹ - ۷۱.
۳۵. محبوب فریمانی، الهه، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، س ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۳۸ - ۱۳۳.
۳۶. معتمدی، ربابه، گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۳۷. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۳۸. موسوی بجنوردی، سید کاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۹. مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۴.
۴۰. نعمتی، محمد رضا، و حسن یوسفی، چینی‌ها و اسناد پنهان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تهران، گنجینه هنر، ۱۳۹۱.
۴۱. نوائی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری‌فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۴۲. نوری، محمد و آبادر نصر، «گزارشی از اسناد وقف (مرکز اسناد فرایبورگ)»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۲، زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۶ - ۴۵.
۴۳. نویدی، داریوش، تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی، ترجمه هاشم آفاجری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
۴۴. همایونفرخ، رکن‌الدین، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، هنر و مردم، دوره ۷ - ۴، ش ۶۶، فروردین ۱۳۴۷، ص ۳۶ - ۲۹.
۴۵. هنرف، لطف‌الله، آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقی، ۱۳۴۴.

جدول (۱): وقف‌نامه برخی از واقفان آستان قدس رضوی

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱	علی بن احمد بن ملک اسماعیل طوسی (خواجه عتیق منشی)	۹۳۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲	خواجه علاء الدین حاجی	۹۳۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳	شاه طهماسب	۹۳۵	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۴	سید لطیف شاه حسینی مازندرانی	۹۴۰	آستان قدس رضوی
۵	امیر سید جلال الدین محمد بن سید لطیف شاه	۹۵۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶	سید علی حسین گنابادی	۹۵۷	آستان قدس رضوی
۷	بیگ آغا خانم	۹۷۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۸	الله وردی خان	۹۹۶	اداره کل اوقاف خراسان
۹	مهدی قلی بیک چغتائی	۱۰۰۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۰	گنجعلی خان زیگ	۱۰۰۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۱	مهدی قلی بیک میر آخررباشی	۱۰۱۱ - ۱۰۲۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۲	شاه عباس	۱۰۱۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۳	شاه عباس	۱۰۱۹	آستان قدس رضوی
۱۴	شاه عباس	۱۰۲۳	اداره کل اوقاف خراسان و آستان قدس رضوی
۱۵	گنجعلی خان زیگ	۱۰۲۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۶	میرزا علی اصغر حسینی	۱۰۲۵	اداره کل اوقاف خراسان
۱۷	کربلائی غلام رضا	۱۰۳۹	اداره کل اوقاف خراسان
۱۸	محمد حسن	۱۰۵۵	اداره کل اوقاف خراسان
۱۹	مرضیه بیگم	۱۰۵۶	اداره کل اوقاف خراسان
۲۰	شرف نساعیگم	۱۰۵۶	اداره کل اوقاف خراسان
۲۱	الله وردی خان امیر شکارباشی	۱۰۶۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۲۲	حاج مراد خان بیکا	۱۰۷۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۳	صفی قلی خان بیگلریگی مشهد	۱۰۷۲ یا ۱۰۷۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۴	سعال الدین محمد	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی
۲۵	عباس قلی خان بیگلریگی خراسان	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۶	حاج غلام محمد اصدقی	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۷	میرزا محمد جعفر	۱۰۷۹	اداره کل اوقاف خراسان
۲۸	میرزا زائی محمد جعفر	۱۰۷۹	اداره کل اوقاف خراسان
۲۹	مرتضی قلی بیک	۱۰۸۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۰	میر علاء الدین محمد حسین کاشانی	۱۰۸۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۱	میرزا محمد زمانا	۱۰۸۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۲	ملا محمد باقر خراسانی (سبزواری)	۱۰۸۳	اداره کل اوقاف خراسان
۳۳	میرزا محمد کامل کرمانی	۱۰۸۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۴	عباسقلی خان	۱۰۸۷	اداره کل اوقاف خراسان
۳۵	آقا میرزا ابوطالب رضویا	۱۰۸۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۶	میرزا شاه تقی الدین محمد رضوی	۱۰۸۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۷	میرزا محمد ابراهیم رضوی	۱۰۸۷	اداره کل اوقاف خراسان
۳۸	میرزا محمد جعفر شمس‌المعالی	۱۰۸۹	اداره کل اوقاف خراسان
۳۹	آقا خواجه محمد دهاشم ولد خواجه کلمان	۱۰۹۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۰	میرزا عبدالله خادم	۱۰۹۱	اداره کل اوقاف خراسان
۴۱	حاجی میرزا ابراهیم	۱۰۹۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۲	محبعلی خان	۱۰۹۳	اداره کل اوقاف خراسان
۴۳	میرزا سعال الدین محمد	۱۰۹۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۴۴	آهو خانم	۱۰۹۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۵	محمد صالح معروف به مکرمت خان ابن خواجه حسین کرمانی	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۶	مختاربیک و کالتاً از طرف جمعی	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۷	آقا کافور خزانه‌دار	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۸	شاهوردی خان	۱۰۹۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد) و اداره کل اوقاف خراسان
۴۹	علی‌اکبر اصفهانی	۱۱۰۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۰	حاجی محمد صالحی	۱۱۰۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۱	میرزا سید حسنا	۱۱۰۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۲	بانو فاطمه خانم	۱۱۰۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۳	قمر النساء خانم	۱۱۱۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۴	خواجه محمد رحیم وعده‌ای از اهالی دورود	۱۱۱۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۵	رجعلی بیگ و عباسقلی بیگ	۱۱۱۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۶	میرزا محمد فرزند میرزا عادل خان	۱۱۱۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۷	شاه سلطان حسین	۱۱۱۹	آستان قدس رضوی
۵۸	حاج محمدعلی ابوالصلتی فراش	۱۱۱۹	اداره کل اوقاف خراسان

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۵۹	محمد بیکا	۱۱۲۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۰	حاج عبدالصانع	۱۱۲۲	اداره کل اوقاف خراسان
۶۱	جعفر قلی بیکا امیر شکارباشی	۱۱۲۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد) و اداره کل اوقاف خراسان
۶۲	میرزا ابوالحسن صاحب نسق	۱۱۲۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۳	میرزا علاءالدین محمد	۱۱۳۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۴	حاجی منصور سر کرده غاریان نیلی	۱۱۳۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۵	میرزا محمد مؤمن	۱۱۳۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۶	حاج محمد رحیم	۱۱۳۷	اداره کل اوقاف خراسان
۶۷	حاجی محمد یوسف بیکا	۱۱۳۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۸	حاج محمد مؤمن خادم	۱۱۴۱	اداره کل اوقاف خراسان

جدول (۲): وقفات برخی از واقفان بقعه شیخ صفی الدین

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱	بهلول بن قوام الدین بن محمد، قوج احمد بن احمد بن حاجی محمد، شاه ولی بن علی بن نظام	۹۱۲	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۲	نارین خاتون بنت حسین [بن] ... امیر احمد دریغی	۹۱۴	موزه ملی ایران

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۳	میرزا علی بن استاد محمود بن پیره احمد شاه طسوجی	۹۴۲	موزه ملی ایران
۴	غازی خان	۹۵۰	موزه ملی ایران
۵	شاه وردی بیک کنگرلو بن آیدی خلیفه	۹۵۰	موزه ملی ایران
۶	امیر جلال الدین معصوم بیک صفوی	۹۵۱	ایروان (آرشیو نسخ خطی)
۷	امیر زین الدین علی حسینی استرآبادی	۹۵۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۸	امیر کوکجه سلطان قجر	۹۵۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۹	حمزه بیک بن یار احمد آقا	۹۶۰	موزه ملی ایران
۱۰	نظام الدین سید نعمت الله صفوی	۹۶۵	موزه ملی ایران
۱۱	نظام الدین سید یعقوب بن سید نعمت الله صفوی	۹۶۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۲	ملک میرزا بیک بن سیفلی بیگ چوبانی مغانی	۹۶۶	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۳	سید حیدر بن سید نعمت الله صفوی	۹۷۶	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۴	علی قلی سلطان موسیلو	۹۹۸	موزه ملی ایران
۱۵	امیره محمد شاه بن امام قلی امستان	۱۰۲۱	موزه ملی ایران

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱۶	نعمت‌الله ابن خلیل‌الله خلخالی	۱۰۳۶	موزه ملی ایران
۱۷	خلیفه صفی قلی بن خلیفه شاه قلی	۱۰۵۷	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۸	بیرم بگ بن علی قلی بگ	۱۱۰۲	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)

* مندرجات در جداول براساس وقفنامه‌های منتشرشده در منابع مختلف به‌ویژه مقاله «تشیع و وقف در عصر صفوی»، تزهت احمدی و کتاب فهرست اسناد پقעה شیخ صفی‌الدین اردبیلی (موجود در موزه ملی، سازمان اوقاف، کتابخانه ملی تبریز، بقعه شیخ صفی و ...) عمادالدین شیخ الحکمایی، تنظیم گردیده است. به‌علت گستردگی و پراکندگی وقفنامه‌ها و منابع آنها، جداول مذکور، نمایانگر تمامی وقفنامه‌ها نمی‌باشد.

